

هو الله - رشت حضرت ابتهاج الملك عليه بهاء الله، ايها...

عبدالبهاء

اصلي فارسي



هو الله

رشت حضرت ابتهاج الملك عليه بهاء الله، ايها الابتهاج كن كالسراج الوهاج في زجاج محبت الله تا ابتهاج روحانيان گردى و امتزاج بين آب و آتش دهى زيرا بتخليل آب و آتش را آميزش توان داد و عليك التحيّة و الثناء.

رشت حضرت مديّر الممالك عليه بهاء الله، اى ثابت بر پيمان، تدبير در امور عبارت از اتقانست يعنى بايد هر امرى را چنانكه بايد و شايد اجرا نمود مثلاً جام نورانيرا صهبای رحمانى بايد چنانچه شاعر گفته رَقّ الزّجاج و راقّت انحر و تعاكسا فتشابه الامر و كائماً قدح و لا نحر. صفای جام و لطف باده هر برى آئينه اولمشدر تعاكسد نطولائى شبهه يه ميدان قالمشدر دگل صهبای جانپرور باقن الحقّ قدح در بو دگل بو جام ياقوتى مى الحقّ سايه صالمشدر. پس معلوم گرديد كه فيض رحمانيرا قلب نورانى لازم و پرتو شمس حقيقت را آينه جهان نما سزاوار و عليك التحيّة و الثناء

رشت حضرت سعيد الملك عليه بهاء الله، اى بنده پروردگار سعادت عالم ملك چون با بشارت عالم ملكوت توأم گردد نور على نور شود انشاء الله بهر دو فائزى و عليك التحيّة و الثناء. رشت حضرت مبصر الملك عليه بهاء الله، اى ثابت بر پيمان بصر در عالم ملك كشف صور اشيا نمايد ولى بصيرت در عالم ملكوت كشف حقائق ممكّات كند اميدوارم كه بهر دو موفق و مؤيد و فائز باشيد و عليك التحيّة و الثناء.



ORIGINAL



AUDIO

رشت حضرت حاجی آقا خلیل علیه بهاء الله، ای خلیل جلیل حمد خدا را که بنورانیت جهان الهی عزیز و نبیل و در نار نمرودی گلشن رحمانی یافتی و از عون و صون جبریل نیز رخ بتافتی در خطاب ال ک حاجةً اما الیک فلا گفتی و علیک التّحیة الثّناء. رشت حضرت آقا سید محمد مجتهد علیه بهاء الله، ای سید بزرگوار عالم انوار است و معرض اسرار و مصدر آثار افق حقیقت روشن است و انجمن رحمانی غبطه صحرا و چمن وقت نوبهارست و سیر گلگشت و گلبن و گلزار و من بیاد تو مشغول و مسرور در لیل و نهار و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب میرزا علیرضا خان علیه بهاء الله، ای یار مهربان بشارات حضرت رحمن پاپی است و پیک نیک پی مرده الطاف حضرت یزدان می دهد بلبل گلبانگ صلح و صفا میزند و مرده صلح و امان می رساند و آیات راستی و آشتی ترتیل مینماید پس تا توانی در سلامت عموم بکوش و جز الفت و محبت میندیش و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب میرزا محمد علیخان علیه بهاء الله، ای دوست صمیمی من براستی و حق پرستی انسان در عالم امکان روشن و تابان گردد. الحمد لله رخی بنور محبت الله روشن داری و کاخی بانجمن یاران گلشن و علیک التّحیة و الثّناء. رشت جناب میرزا ابوالقاسمخان علیه بهاء الله، ای یار دیرین الحمد لله در بهار روحانی مانند گل رحمانی پیرهن چاک نمودی و شکفته و مشکبار گشتی و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب آقا سید اسدالله علیه بهاء الله، ای بنده الهی، اینجهان فانیرا بقائی نه و این خاکدان ترابی را صفائی نه و یاران جسمانی را وفائی نه مرغ چمنستان حقیقت البته هر وقت آرزوی گلشن تقدیس نماید و بگلبن معانی پرواز خواهد و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب آقا سید مهدی علیه بهاء الله، ای بنده الهی نور هدایت چون در شبستان دل پرتو انداخت جان را از تقید آب و گل رهائی بخشید جهان دیگر یافت و بگلشن دیگر شتافت و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب آقا سید ناصر علیه بهاء الله، ای روحانی انشاء الله منصور و مغفور و مؤیدی و موفق در عبودیت آستان مقدس بنده شاطری و بیچارگانرا معین و ناصر و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب آقا میرزا یحیی حکیم علیه بهاء الله، ای طیب قلوب حکمت یونانیان دواى جسمانیان نماید ولی حکمت لقمانی و طب رحمانی علاج دل و جان کند امیدوارم که بهر دو مؤید گردی و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب میرزا آقای حکیم علیه بهاء الله، ای حکیم حلیم بیماران را بروح و ریحان معالجه نما و تا توانی دل و جان شادمان کن بسرور روحانی امراض و علل بی پایان را تداوی ممکن زیرا قلب چون فرح یابد تأثیر عظیمی در جسم و تن نماید و طیب بتفریح و تبشیر و تسریر روحانی علاج عظیم تواند و علیک التّحیة و الثّناء.

رشت جناب حاجی میرزا محمد ارباب علیه بهاء الله، ای ثابت بر پیمان ارباب جمع رب است و ربوبیت وجود در عبودیت در گاه حضرت مقصود تا توانی در این مقام ثابت و مستقیم باش تا جمیع اشیا را طائف حول بینی و علیک التّحیّة والثناء.

رشت جناب ناظم میزان علیه بهاء الله، ای بنده رحمن میزان قویم و قسطاس مستقیم الیوم عهد و پیمانست جمیع باین میزان موزون گردند و اما من ثقلت موازینہ فهو فی عیشة راضیہ و اما من خفت موازینہ فامه هاوریه و علیک التّحیّة والثناء. رشت جناب سراج دیوان ای بنده بها، مانند شمع در بین جمع یاران برافروز و چون شاهد عشق در انجمن رحمن پرده بسوز نور تابان شو و جلوه بی پایان نما و علیک التّحیّة والثناء.

رشت جناب آقا علی علیه بهاء الله، ای بنده حقّ عالم امکان را انقلابات یجد و پایانست. گهی اوجست و گهی حضیض گهی سود است و گهی زیان امر معسور عاقبت میسور گردد و شدت بر خا تبدیل شود و علیک التّحیّة والثناء رشت جناب آقا غلام علیه بهاء الله، ای بنده ثابت الهی محزون مشو مغموم مگرد دلخون منشین مخمود مشو امور را حکمتی در پی و زحمت را رحمتی در عقب شجر چون بی برگ گردد سبز و خرم شود و مرغ مقصوص الجناح پر تازه برویاند و هلال ضعیف بدر منیر گردد لا تحزن انّ الله معنا و علیک التّحیّة والثناء ع

ع

